

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَقَالَ اللَّهُ لَا تَتَذَكَّرُونَ  
إِنَّكُمْ كَانْتُمْ فِي يَدَيْهِ

6719

۱۷/۱/۱۵۳۱۷۵  
۱۷/۱/۲۵



دانشگاه تهران و بلوچستان  
تحصیلات تکمیلی

پایان نامه کارشناسی ارشد در (زبان و ادبیات فارسی)

عنوان:

# مضامین برجسته ی فکری ناصر خسرو در دیوان اشعار

استاد راهنما:

دکتر محمود عباسی

۱۳۸۷ / ۱۰ / ۲۱

استاد مشاور:

دکتر عبد الله واثق عباسی

کتابخانه و مراکز علمی و پژوهشی  
دانشگاه تهران

تحقیق و نگارش:

محمد آقایی زاده بجستان

مهر ۱۳۸۷

۱۰۶۷۱۹



### بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان مضامین برجسته ی فکری ناصر خسرو در دیوان اشعار قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد رشته ی زبان و ادبیات فارسی توسط دانشجو محمد آقایی زاده تحت راهنمایی استاد پایان نامه محمود عباسی تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می باشد.

محمد آقایی زاده بلوچستان

این پایان نامه ۴ واحد درسی شناخته می شود و در تاریخ ۷۸/۶/۴ توسط هیئت داوران بررسی و درجه بسیار..... به آن تعلق گرفت.

نام و نام خانوادگی	امضاء	تاریخ
استاد راهنما:	دکتر محمود عباسی	۸۷، ۷، ۴
استاد راهنما:		
استاد مشاور:	دکتر عبدالله واثق عباسی	
داور ۱:	دکتر محمد امیر مشهوری	۱۳۸۷ / ۸ / ۲۱
داور ۲:	دکتر حیدر علی دهمردی	
نماینده تحصیلات تکمیلی:	دکتر رضا رضایی	۸۷، ۷، ۴



دانشگاه سیستان و بلوچستان

### تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب محمد آقایی زاده بچستان تأیید می‌کنم که مطالب مندرج در این پایان‌نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان‌نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می‌باشد.

محمد آقایی زاده بچستان

امضاء  
۲۶

تقدیم به:

خانواده ام که در مسیر تحصیل اینجانب سختیها و مشقتها را تحمل کردند.

و به مادرم که همیشه دعای خیرش بدرقه ی راهم بود.

با تشکر و تقدیر از:

استاد ارجمند دکتر محمود عباسی

که راهنمایی اینجانب را در این رساله عهده دار بودند و رهنمودهای آموزنده شان راهگشای  
مسیرم بود.

و

استاد ارجمند دکتر عبد الله واثق عباسی

که از مشورت های بی شائبه و خردمندانه شان بهره ها بردم.

## چکیده

ناصر خسرو حکیمی گرانقدر، شاعری نامدار، جهانگردی باریک بین، و پوینده حقیقت و مبلغی معتقد است. برای رسیدن به حقیقت رنج سفری هفت ساله و برای دفاع از حقیقت و تبلیغ آن ۱۵ سال آوارگی و تبعید را به جان می‌خرد. مضامین برجسته دیوان اشعارش همه از فضایل اخلاقی است که آراستگی انسان به آنها برایش تکامل و تعالی روحانی را به ارمغان می‌آورد. وی نخستین گوینده ایست که شعر را در خدمت فکر اخلاقی قرار داده است. مضامین برجسته فکری وی در دیوان اشعارش عبارتند از، خرد، دین، دانش، انسان، دنیا و نگرش به آن، توجه به آیات و احادیث و تأویل آن‌ها، سخن و اهمیت آن، انتقاد از هر نادرستی، و ناهنجاری و توصیه به نیکی‌ها. می‌توان گفت محور اندیشه وی انسان و راه‌های رسیدن وی به کمال ورستگاری است. این نوشتار شامل یک مقدمه و چهار فصل می‌باشد. در مقدمه انگیزه، هدف، و پیشینه تحقیق. فصل اول تاریخ اسماعیله فصل دوم: اندیشه‌ها و عقاید این فرقه فصل چهارم: مضامین فکری برجسته ناصر خسرو در دیوان اشعار که به طور مفصل همراه شاهد مثال بررسی می‌گردد.

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه
<b>فصل یکم — مختصری از تاریخ اسماعیلیه</b>	
۶.....	تاریخ اسماعیلیه
۱۰.....	مروری کوتاه بر سلسله نسب ائمه اسماعیلیه
۱۴.....	حسن صباح
<b>فصل دوم — اندیشه ها و عقاید اسماعیلیه</b>	
۱۸.....	جهان شناسی اسماعیلیان
۱۹.....	خداوند در اندیشه اسماعیلیه
۲۱.....	نبوت و امامت از دیدگاه اسماعیلیه
۲۷.....	تاویل و باطنی گرایی
۳۰.....	مقایسه تاویل در نزد اسماعیلیه و شیعه
۳۱.....	معاد در اندیشه اسماعیلیه
۳۳.....	خرد علم و دانش در نزد اسماعیلیه
<b>فصل سوم — ناصر خسرو</b>	
۳۶.....	زندگی نامه ناصر خسرو
۳۹.....	دوران آغازین زندگی
۴۱.....	دوران پس از تغییر و تحول
۴۶.....	گذری کوتاه بر منابع زندگی ناصر خسرو
۴۷.....	آثار ناصر خسرو
۵۱.....	ناصر خسرو و دیگر شاعران
<b>فصل چهارم — مضامین فکری برجسته ناصر خسرو در دیوان اشعار</b>	
۵۳.....	بررسی کلی دیوان اشعار
۵۶.....	جلوه قرآن و احادیث در دیوان اشعار
۶۷.....	خرد و خرد ورزی در اندیشه ناصر خسرو
۷۶.....	علم و دانش در اندیشه ناصر خسرو



۸۲.....	منابع علم
۸۵.....	عمل کردن به علم
۸۸.....	دین در دیوان اشعار واندیشه ناصر خسرو
۹۷.....	انسان در اندیشه ناصر خسرو
۱۰۸.....	دنیا ونگرش به آن در دیوان اشعار
۱۲۴.....	سخن واهمیت آن در اندیشه و دیوان اشعار
۱۲۹.....	تأویل واهمیت آن در دیوان اشعار
۱۳۵.....	انتقاد وستیهندگی و مذمت در دیوان اشعار
۱۳۶.....	انتقاد و مذمت حاکمان
۱۴۰.....	انتقاد از فقها ، قضات و علمای درباری
۱۴۶.....	مذمت و نکوهش عوام در دیوان اشعار
۱۴۹.....	مذمت و نکوهش سایر گروهها
۱۵۱.....	دیو در اشعار ناصر خسرو
۱۶۰.....	موعظه و ادبیات تعلیمی در دیوان اشعار
۱۶۳.....	توصیه به صبر و برد باری و استقامت در مقابل هوای نفس
۱۶۴.....	توصیه به آراسته شدن به صفات نیک
۱۶۵.....	توصیه به توبه و طاعت
۱۶۶.....	توصیه به تقوی و نهی از مکر و حسد
۱۶۵.....	توصیه به همنشینی و مراوده با نیکان و نهی از همراهی دیوان
۱۶۷.....	توصیه به شکر گزاری خداوند
۱۶۸.....	مذمت حرص و آز و آرزو
۱۶۹.....	حکمت در اندیشه و دیوان اشعار ناصر خسرو
۱۷۲.....	منقبت اهل بیت (ع)
۱۷۵.....	مدح خلیفه فاطمی
۱۷۹.....	نتیجه گیری
۱۸۱.....	فهرست منابع و مأخذ

نهان نیست چیزی ز چشم سر و دل  
مگر کرد گار جهان فرد سبحان  
خرد هدیه اوست در ما که ما را  
بفرمان او شد خرد جفت با جان

( ناصر خسرو، ۱۳۵۳: ۸۴ )

اکنون که با گسترش علوم، فناوری و رسانه های ارتباطی و شبکه های جهانی و تبادل اطلاعات، همه مرزها و حجاب ها در حال از هم پاشی است و بهتر و شایسته تر می توان به حقایق بسیاری که در گذشته دور از دسترس بوده اند دست یافت. شایسته است که تحقیقات و پژوهش در زمینه فرقه ها و گروه هایی که از نظر مبانی اعتقادی و مبادی تاریخی به فرهنگ ما نزدیک ترند صورت گیرد. بویژه در این زمینه که بزرگان و اندیشمندی همچون ابویعقوب سجستانی، موید الدین شیرازی و حکیم ناصر خسرو قبادیانی که از مشاهیر برجسته فرهنگ و ادب ما هستند بر این اعتقاد بوده اند. مضافاً بر اینکه آنچه در حال حاضر درباره ی تاریخ و معتقدات اسماعیلیان سده های میانه می دانیم تا چند دهه پیش ناشناخته بود.

مطالعه و پژوهش های پیرامون این فرقه منحصرأ بر مبنای منابع و شرح های غیر اسماعیلیان بود، که نسبت به این فرقه نظری خصمانه داشتند، بویژه سنیان اهل جدلی که سرآغازشان ابن رزام در نیمه اول قرن چهارم بود، به جعل مدارک در این مورد، که به رد و ابطال عقاید این فرقه کمک می کرد، پرداختند.

عباسیان بنا به دلایل سیاسی و ترس از فراگیر شدن قدرت اسماعیلیه تألیف رسایی علیه آنها را تشویق می کردند. نمونه آن رساله المستظهری که بنا به درخواست خلیفه عباسی بوسیله غزالی تألیف، و در آن نظام خود پرداخته ای از مراحل نو کیشی تا الحاد کامل به اسماعیلیه نسبت داده شد. اروپائیان علی رغم نزدیکی به نزاریان شام نتوانستند اطلاعات دقیقی در مورد آنها کسب کنند. بهمین دلیل صلیبیان و ناظران غربی در توجیه علل جانبازی و فداکاری فدائیان نزاری به قوه ی خیال متوسل و افسانه های حشاشین و باغ اسرار آمیز بهشت و استفاده از مواد مخدر، به تدریج ساخته و تکامل یافت و حتی سیلوستر دوساسی (۱۷۵۸- ۱۸۳۸) سردسته خاور شناسانی که بررسی های محققانه تری درباره ی اسلام بر مبنای نسخه ها و دست نوشته های اسلامی مؤلفان اهل سنت انجام داده اند، بعضی از افسانه های حشاشین را تأکید کرد. (دفتری، ۱۳۸۳: ۲۵)

شروع تحقیقات جدید بوسیله ولاد یمیر ایوا نف بود که با همکاری سر سلطان محمد شاه، چهل و هشتمین امام اسماعیلیان موفق به کشف و بدست آوردن نسخ اصیل بعضی از آثار دانشمندان اسماعیلی شد.

ویرایش انتقادی متون فاطمی توسط دانشمند مصری محمد کامل حسین (۱۹۰۱-۱۹۶۱) و بوسیله هانری کربن (۱۹۰۳-۱۹۷۸) با مقدمه های مفصل و متن شناسانه اهمیت فراوان دارد. در مورد اسماعیلیان نزاری دوره الموت نیز تحقیق عالمانه توسط مارشال هاجسن (۱۹۲۲-۱۹۶۸) صورت گرفته است. از مهمترین دلایل اجرای این پژوهش می توان بطور خلاصه به موارد ذیل اشاره نمود.

۱- برای نیل به همگرایی فرق مختلف اسلامی که ضرورت عصر ما ست بویژه از آن جهت که بیگانگان و مخالفان فراگیری اسلام مداوماً بر طبق تفرقه افکنی می کوبند و بدنبال غلبه بر امت های اسلامی هستند، نیاز به شناخت و درک عمیق تر از عقاید و مضامین فکری بزرگان هر فرقه، و شناخت نقطه اشتراکات بیشتر احساس می شود.

۲- این فرقه به عنوان یک نیروی قدرتمند عقیدتی، سیاسی، نظامی و عقلانی توانسته است سالیان درازی بر پهنه وسیعی از جهان اسلام حکومت کند، و دوره خلافت فاطمی نه تنها اوج و ذروه ی تاریخ اسماعیلیه بلکه یکی از بزرگترین اعصار و دوره های تاریخ اسلام به شمار می آید، و بر اثر مساعی آنان قاهره یکی از مراکز فرهنگ و هنر اسلامی گردید. و بصورت کانون تحقیق و علم درآمد. دوره خلفای فاطمی هم از جهت سیاسی و هم از لحاظ دست آوردها و موفقیت های ادبی، اقتصادی، هنری، فلسفی و علمی از درخشان ترین دوره های تاریخ اسلام است.

۳- برای درک بهتر و عمیق تر از دلایل موفقیت این گروه شایسته تر است متونی که انتساب آنها به این فرقه و داعیان آن محقق و معتبر است مورد استناد قرار گیرد و در انتساب دیوان اشعار حکیم قبادیان به وی هیچ گونه شبهه ای و از جانب هیچ کس اظهار نشده است. از طرفی هم در آثار تاریخی موافقین و مخالفین و نیز در دیوان اشعار انتساب لقب حجت از جانب مستنصر با الله برای ناصر خسرو محرز و مبین است.

۵ - حکیم ناصر خسرو از مشاهیر و بزرگان ادب فارسی است و به گفته ندوشن، وی «نخستین گوینده ای است که شعر را در خدمت فکر اخلاقی نهاده است.» (اسلامی ندوشن، ۱۳۵۵: ۳۱)

ناصر خسرو از جمله شاعرانی است که به حکیم شهرت یافته و این لقب نه تنها به جهت احاطه بر فلسفه و حکمت، بلکه به عقیده حقیر بدین جهت است که در تمام دیوان، از بیان تمثیلات، حقایق و مواظ و اندرزها هدفی حکیمانه، نجات جان انسان، و رساندن وی به کمال وجودی را دنبال می نماید.

علاوه بر این زندگی وی الگوو نمادی است که این شاعر متعهد و معتقد عملاً نشان می دهد به سبب پای بندی به اعتقادات می توان به دنیا و رفاه آن پشت کرد و اندیشه ها و افکار این حکیم گرانقدر تلنگری به

جامعه تجمل زده و رفاه گرایی کنونی است که مضامین ارزشمندی مانند علم، خردورزی، عقلانیت، دین، طاعت خالق و انسانیت وجود دارد، که می توان، و باید برای احیای آنها از رفاه مادی و خدمت شاهان و امیران گذر نمود، و زندگی در دره یمگان را بر مدیحه گوئی قدرت های مادی ترجیح داد.

درمورد این تحقیق با توجه به اینکه آشنایی با افکار و عقاید بزرگان ادب فارسی و میراث گذشتگان یکی از ضرورت های جامعه کنونی است بویژه در مورد حکیم ناصر خسرو قبادیانی که یکی از معدود شعرای سنتی است که شیعی بودنش مسلم است و نماینده یک تفکر، عقیده و مکتب است. مکتبی که به علت مبهم بودن تاریخ، پنهان کاری، تقیه و دراقلیت بودن درهاله ای از ابهام و پیچیدگی باقی مانده است.

### پیشینه تحقیق

درمورد اندیشه های ناصر و خسرو پژوهش های زیادی صورت گرفته است که در هر کدام به بعدی از ابعاد تفکر در دیوان اشعار یا سایر آثار توجه شده است، به عنوان مثال مهدی محقق تحلیل اشعار را وجهی همت ساخته و تبریزی شیرازی در کتاب ناصر خسرو قبادیانی به مضمون خرد، دین و دانش در اندیشه ی این حکیم پرداخته است. سی هانسبرگر سفر هفت ساله و تغییر و دگرگونی احوال ناصر خسرو را مورد کنکاش قرار داده است. و معروفیت ناصر و خسرو را در اروپا به جهت نگارش سفرنامه و ذکر جزئیات دقیق این سفر می داند.

بر ناردلویس، عارف تامر، ویلفرد مادلونگ تحقیقاتی در زمینه فرقه اسماعیلیه که ناصر و خسرو داعی و مبلغ آن است انجام داده اند در مورد اسماعیلیان ایران بهترین تحقیقات مربوط به مارشال ها حسن می باشد. که از هر جهت جامع و مانع است.

با تحقیقات و تتبعات نگارنده بنظر می رسد تحقیق مستقلی در زمینه مضامین برجسته فکری ناصر خسرو در دیوان اشعار صورت نگرفته است. و با توجه به این احتمال نگارنده سعی نمود ه است تا حدودی در این مسیر گام بردارد.

### انگیزه و دلایل این پژوهش

ناصر و خسرو در زندگی و آثارش عملاً از اندیشه ها و معتقدات خود به سختی دفاع می کند. وی شعر را به عنوان وسیله ای جهت ترویج مذهب و عقاید خویش به کار می گیرد و می کوشد. با آن گمراهان را به راه آورد و این روست که شعر او مجموعه ای از حجت های عقلی و دینی است و چه بسا استغراق در معانی و التزام بحور مشکل و عدم توجه به لفظ وی را دچار تعقید های لفظی نموده است سخن او سرشار از معانی و شیوه بیان درغایت تحکم و استواری است از مهمترین انگیزه های نگارنده در مورد این تحقیق این بود که مضامین فکری

حکیمی که به جهت آنها این اندیشمند فرزانه مدت هفت سال از زندگی‌اش را در سفر گذراند و مدت پانزده سال رادریمگان به دور از خانواده و وطن در غربت آواره و زندانی بوده است ارزش فراوانی برای تحقیق و تفحص دارد، علاوه بر آن «نقش ادبی، فکری و فرهنگی ناصر و خسرو به صورت تبلیغ عقاید و اندیشه‌ها همان اهمیت رادرجامعه پیدامی کند که در شاهنامه فردوسی تشجیع و تقویت روحی، در آثار سعدی تهذیب اخلاق و در دیوان حافظ تلطیف عواطف و در اشعار پروین تسکین آلام مردم مورد نظر بوده است.» (اختردانش، ۱۳۸۵، چکیده)

نیل به همگرایی و ایجاد وحدت میان فرق اسلامی برای خنثی نمودن توطئه‌های بیگانگان که هدفشان ایجاد تفرقه و اختلاف است یکی دیگر از دلایل اجرایی این تحقیق می‌باشد شناخت نقطه اشتراکات و درک عمیق از آنها ما را در همگرایی یاری می‌نماید علاوه بر همه این دلایل این تفکرات عمیقی در تاریخ زمان خود و پس از آن به جای گذاشته است. این تفکرات این اندازه مؤثر بوده است که معتقدین به آن (فدائیان اسماعیلی) در هر شرایطی و حتی به قیمت از دست دادن زندگی خویش حاضر بوده اند اهداف مورد ترور و مستوجب قتل (به عقیده رهبرشان) را با کارد از پای در آورند. و باید این اندیشه و اینکه چرا و چگونه این تأثیرات را داشته است مورد تحقیق قرار گیرد.

#### اهداف تحقیق

از اجرای این تحقیق برای رسیدن به این اهداف صورت گرفته است

۱- آشنایی با مضامین فکری و عقاید ناصر و خسرو به عنوان یکی از برجسته‌ترین چهره‌های های زبان و ادبیات

فارسی

۲- شناخت اصول فکری اسماعیلیه که ناصر و خسرو به عنوان نماینده این جهان بینی و مکتب و مبلّغ آن

در یکی از جزایر دوازده گانه اسماعیلیل شناخت می‌شود

۳- خرد، خردورزی، خودشناسی، علم و عمل، دین، توصیه به اخلاق و رفتار نیک، زهد و دنیا گریزی، آزادگی

و بلند طبعی، مذمت رذایل اخلاقی و انتقاد از عاملان آن و .. از مضامینی هستند که در دیوان اشعار این

حکیم فرزانه دیده می‌شوند و این مضامین بخودی خود نیز ارزش تحقیق و تفحص را دارند و در یک جمله

بررسی مضامین برجسته فکری حکیم در دیوان اشعار بررسی و تتبع در فضایل اخلاقی است که باعث

تکامل انسان، افزایش معرفت وی و زندگی بر اساس دانایی و خردورزی می‌گردد.

در این پژوهش بطور مجمل تاریخ اسماعیلیه، اندیشه‌ها و افکار این فرقه، زندگی حکیم قبادیان (ناصر و خسرو)

و بطور مفصل مضامین فکری برجسته این حکیم فرزانه در دیوان اشعار مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است.

و برای این مضامین از دیوان اشعار شاهد مثال هایی ارائه گردیده است . و به سؤال اصلی پایان نامه که مضامین  
فکری برجسته ناصر خسرو در دیوان اشعار چیست پاسخ داده شده است.

## فصل یکم - تاریخ اسماعیلیه

اسماعیلیان یکی از فرق اسلامی هستند که در سال ۱۴۸ ق بر صحنه تاریخ ظاهر شدند. این فرقه پس از شیعیان اثنی عشری دومین جماعت مسلمان شیعی مذهب می باشند. و با وجود ماندگاری طولانی در تاریخ تا سده های اخیر از کم شناخته ترین فرق اسلامی بودند. علت ایجاد آن همچون سایر فرق مسئله جانشینی بود. به قول صاحب کتاب فرق الشیعه « از زمان وفات حضرت محمد (ص) همه فرقه های اسلام از شیعه، و دسته های دیگر در هر روزگاری، و در حیات هر امامی و یا پس از در گذشت او، اختلافاتشان درباره ی مسئله امامت و به معنای مطلق، جانشینی و رهبری جامعه اسلامی بوده است.» (نویختی، ۱۳۸۶: ص ۳۰)

پیامبر (ص) در هنگام بیماری قبل از وفات فرمود: کاغذ و دواتی آماده کنید تا بنویسم برای شما صحیفه ای که بعد از من از گمراهی در امان باشید. عمرین خطاب گفت: پیکر مطهر حضرت رسالت را غلبه مرض و شدت دردمندی در مزاحمت می دارد. قرآن از برای رهنمونی ما بس است. از این جهت گفتگو بالا گرفت و حضرت رسالت فرمود برخیزید از پیش من که نشاید نزد من سخن به نزاع انجامد. ابن عباس گفت: تمام بلا و مصیبت ما از آن است که بواسطه نزاع و ... بین ما و آن نوشته حایلی پیدا شد، و چه بسا که آن نوشته اولین افتراق را زایل می کرد.

پس از وفات پیامبر اولین افتراق ایجاد شد و مسلمانان به دو گروه سنی و شیعه تقسیم گردیدند. شیعیان پس از وفات حضرت علی (ع) سه گروه شدند. گروهی گفتند علی کشته نشده و نمیرد تا اینکه تازیان را به چوبدست خود براند و زمین را که از ستم و بیداد، گرانبار شده، پر از دین و داد نماید، این گروه سبائیه هستند. گروهی قائل به امامت محمدبن حنیفه شدند که آنها را کیسانیه گویند، و مختار که به خونخواهی حسین بن علی قیام کرد از آنها بود. گروهی پس از علی بن ابیطالب (ع) پایدار ماندند و سپس جزء یاران حسین (ع) شدند.

پس از شهادت امام حسین (ع) گروهی پیرو محمد حنفیه و گروهی دیگر او را امام مهدی و جانشین علی (ع) دانستند و گروهی گفتند پس از مرگ محمدبن حنفیه امامت به پسرش منتقل شد، که آنها را هاشمیه گویند. و سرانجام پس از وفات هر امام و پیشوایی فرقه ها افزون گردید.

با وفات جعفر بن محمد (ع) ملقب به صادق ششمین امام شیعیان در سال ۱۴۸ ق پیروان او به شش گروه تقسیم گردیدند. (نویختی، ۱۳۸۶: ص ۷۰/۶۱) آن حضرت چهار فرزند داشت. اسماعیل، موسی الکاظم، محمد دیباج و عبدالله افطح، و از فرزندان آن امام شش فرقه منشعب شدند.

۱- ناوسیه: قائلین به حیات امام صادق (ع) و اینکه او همان مهدی موعود است.

۲- سمیطیه یا شمیطیه: پیروان امامت محمدبن جعفر معروف به محمد دیباج

۳- موسویه یا امامیه: معتقدین به امامت حضرت موسی بن جعفر (ع)

۴- اسماعیلیه واقفیه: معتقدین به امامت اسماعیل و توقف امامت در وی، آنها اعتقاد داشتند که او نمرده است و سرانجام قیام خواهد کرد.

۵ - مبارکیه: قائلین به امامت اسماعیل پس از مرگ اسماعیل بن جعفر، پس از فوت محمدبن اسماعیل، اسماعیلیان به دو گروه تقسیم شدند، گروهی وی را آخرین امام و مهدی موعود دانستند که سلف قرامطه هستند و گروهی با پذیرش مرگ وی امامت را در نسل وی جاری می دانند که اینان سلف فاطمیان مصر هستند.

۶ - افطحیه (خراسانی فدایی، ۱۳۷۳: ص ۸): پیروان عبدالله افطح فرزند ارشد حضرت صادق (ع)

از این گروه ها، گروه های چهارم و پنجم به اسماعیلیه شهرت دارند و نیز نام های دیگری را روی آنها گذاشته اند.

خواجه نظام الملک در سیاست نامه می گوید: « و باطنیان را بدان وقت اسمی و لقبی بوده، به حلب و مصر اسماعیلی به بغداد و ماوراء النهر و غزنین قرمطی، به کوفه مبارکی، به بصره راوندی و برقی، به ری خلفی و باطنی، به گرگان محمره، به شام مبیضه، به مغرب سعیدی، به لحسا و بحرین جنابی، به اصفهان باطنی و ایشان خویش را تعلیمیه خواند» (نظام الملک، ۱۳۵۷: ۲۳۶)

محقق به نقل از شهرستانی در الملل و النحل میگوید، که آنها را در عراق باطنیه و مزدکیه و قرامطه، در خراسان تعلیمیه و ملاحده خوانند، و خود گویند ما اسماعیلی هستیم. (محقق، ۱۳۸۲: ۲۶) (شهرستانی، ۱۳۶۳، جلد ۱: ۳۳۵) و به نقل از امام فخر رازی از علمای اهل تسنن شعب آنرا صباحیه، قرامطه، بابکیه مقنعه و سبعیه می داند. (محقق ۱۳۸۲: ۲)

اسماعیلیه معتقدند که امام صادق (ع) نص امامت بر اسماعیل کرد، و اگر چه گفته شده که چون اسماعیل در زمان حیات پدر در گذشت. بداء حاصل شده و نص از او به برادرش منتقل گشته بدین امر گردن نهند. و گفتند: نص امامت رجوع به قهقرا نمی کند، و بداء نیز محال است، چون امام جعفر صادق (ع) امام ومعصوم است، لذا نص او صحیح است، و بازگشت پذیر نمی باشد .



گروهی از اسماعیلیان حتی منکر مرگ وی شدند و هدف از نوشتن سچل و محضر و استشهاد مبنی بر مرگ وی از جانب امام صادق (ع) را تقیه و نجات جان وی می دانند. علمای امامیه معتقدند که بداء در مورد مرگ اسماعیل واقع شده، نه در مورد امامت او.

از شیخ مفید نقل شده که مراد از بداء آن است که خداوند کشته شدن را از او دور ساخت. (قمی، بی تا: ۶۵۷). علاوه بر مسئله جانشینی به عنوان زمینه پیدایش فرق اسلامی عوامل دیگری نیز در این مسیر مؤثر است که اجمالاً مورد بررسی قرار می گیرد.

تشیع پس از وفات پیامبریک نهضت سیاسی و معتقد به ولایت حضرت علی (ع) بود. طرفداران علی (ع) معتقد به نص و وصایت در امر امامت بودند. در مسیر گسترش اسلام به جهان غیرعرب، موالی که مسلمانان غیر عرب می باشند و آمادگی نهضت انقلابی داشتند، به سمت تشیع گرایش پیدا کردند.

با کم شدن تمایز بین اعراب و موالی « تشیع سخنگوی تمام طبقات محروم و ستم کشیده گردید.» (لوئیس، ۱۳۶۲: ۳۰) و زرتشتیان طبقات بالای جامعه ایرانی سنی شده و حقوق ویژه خود را حفظ کردند.

اعتقاد به مهدویت و ظهور منجی دادگر اگر چه به صور مختلف در سایر ادیان وجود دارد به عنوان یک ویژگی بارز در فرق تشیع و اسلام انقلابی و طرفدار محروم نمود دارد. مهدویت در شورش مختار ۱۶۶ / ۶۸۵ به صورت ایدئولوژی درآمد و مختار تبلیغ می کرد، که محمد حنیفه، مهدی است، حتی پس از مرگ محمد برخی هواداران وی اعلام کردند، که او حقیقتاً نمرده است بلکه غایب شده و رجعت خواهد کرد. (همان، ص ۳۴) در سال (۱۴۵ - ۱۰۰ / ۷۳۶ - ۷۱۸ م) محمد معروف به نفس زکیه در سن ۱۹ سالگی ادعا کرد که مهدی است و قیام کرد و گروهی پس از مرگ وی قائل به غیبت وی شدند. چنین به نظر می رسد این فرقه در پیدایش، تحول و توسعه عقاید باطنی تأثیر زیادی داشته چنانکه یکی از فرقه های فرعی خطابه محسوب می گردد.

البته علاوه بر عوامل جانشینی، نجات طبقه محروم، ایده ی مهدویت، نقش موالی و عقاید پیشین آنها، انگیزه کسب قدرت سیاسی و حاکمیت بر جهان اسلام را توسط پدید آورندگان این فرقه نباید از نظر دور داشت.

اکثر منابع معتقدند که ابوالخطاب نخستین کسی است که نهضتی از نوع باطنی را سر و سامان داد. وی از شاگردان امام محمد باقر (ع) و امام صادق (ع) و از موالی بود. پس از رد وی از جانب امام صادق (ع) او ادعا کرد که پیامبر است و عقایدی مثل اباحه، تقیه، دروغ مصلحت آمیز بخاطر مذهب و جمع بودن بهشت و

جهنم در افراد را ترویج داد. پیروانش پس از مرگ وی که به دستور عیسی بن ماهان حاکم کوفه به چهار میخ کشیده شد، گرد محمدبن اسماعیل نوه امام صادق (ع) گرد آمدند و هسته اولیه اسماعیلیه شکل گرفت.

تعدادی از منابع تاریخی رابطه ی بین خطابه و اسماعیلیه را تأیید می کنند. (لوئیس، ۱۳۶۸: ۴۲) ابن رزام پیروان میمون القداح را از شاگردان ابوالخطاب می داند. ابن اثیر ابوالخطاب را از اولین فرد این فرقه به حساب آورده و میمون القداح را جانشین وی می داند. نوپری با استفاده از کتاب ابن شداد میمون را پیرو ابوالخطاب دانسته و تأویل و باطن را به او نسبت می دهد.

رشیدالدین فضل الله نیز خطابه را بانی و مؤسس این نهضت می داند. ام الکتاب، کتاب مقدس سری اسماعیلیان در آسیای مرکزی، ابوالخطاب را مؤسس مذهب نامیده و او را همسنگ سلمان محسوب می دارد. نوبختی در کتاب فرق الشیعه می گوید: «اسماعیلیه که آنان را خطابه نیز گوینداز یاران ابوخطاب محمدبن ابی زینب اسدی اجدع هستند که دسته ای به پیروان محمد بن اسماعیل ملحق شدند.» (نوبختی، ۱۳۸۶: ۶۲). گفتارها و عقاید مشابهی را می توان در نوشته های نصیریان که ماسینیون آنها را بررسی کرده یافت که در آنها ابوالخطاب بنیانگذار این فرقه و میمون القداح شاگرد وی دانسته شده است و اکثر عقاید شناخته شده اسماعیلی را به او نسبت می دهند. (لوئیس، ۱۳۶۲: ۴۵/۴۴)

تمام منابع شیعیان دوازده امامی و اغلب مآخذ سنی در طرد و لعن ابوالخطاب توسط امام صادق اتفاق نظر دارند و گمان می رود اختلاف نظر شدیدی بین امام و اسماعیل به دلیل همبستگی اسماعیل و ابوالخطاب وجود داشته و امام صادق (ع) به این دلیل که از انحراف افکار نسبت به امامت بهره برداری های بعدی جلوگیری نماید دستور داد، پس از مرگ اسماعیل جسد وی را در معرض تماشای عموم قرار دهند. و بر مرگ وی محضر نویسند. اگر چه اسماعیلیان معتقدند که برای مرگ کسی محضر نوشتن مرسوم نبوده و «تقییه موت او را ظاهر کردند از خوف خلفای بنی عباس، بدین جهت به حکم امام صادق (ع) محضری بستند و احضار کردند در آن محضر عامل منصور را و حتی نوشته به خط عامل گرفتند و جنازه را سه مرتبه بر زمین نهادند و روی آن را باز کردند.» (خراسانی فدایی، ۱۳۷۳: ۱۴)

اسماعیلیه در آغاز تشکیل به دو گروه تقسیم شدند. گروهی را اعتقاد بر این بود که اسماعیل زنده است. و امام صادق او را پنهان کرده، اینان اسماعیل را قائم دانستند، و می گفتند در غیبت است و رجعت خواهد نمود. نوبختی این گروه را الاسماعیلیه الخالصة می نامد. گروه دوم معتقدند امامت پس از مرگ او به پسرش محمدبن اسماعیل رسید. این گروه را به سبب اینکه رهبرشان مبارک نامی از موالی بود، مبارکیه گویند. خطابه به این

گروه ملحق و سپس از مبارکیه گروهی منشعب شد که به قرامطه مشهورند. آنها را به جهت رهبرشان که از اهل سواد و "قرمطویه" نام داشت قرمطی گویند.<sup>۱</sup> بنابر آنچه در سیاست نامه آمده مبارک از مردم حجاز و از خدمتگزاران محمدبن اسماعیل بود و در نوشتن مقرمط مهارت داشت. عبدالله میمون قدامح او را بفریفت، و به همدستی او فرقه مبارکی یا قرمطی را بنیاد نهاد. (نظام الملک بی تا: ص ۱۸۳) با توجه به منابع قدیمی تر یکی بود مبارک و قرمطویه رد شده است.

### مروری کوتاه بر سلسله نسب ائمه اسماعیلی

اسماعیل بن جعفر، بزرگترین فرزند امام صادق (ع) و در تاریخ ۱۰۱ هـ در مدینه متولد شد. چون تحت تعقیب دشمنان بود به دمشق آمد و به ظاهر خود را عامل عباسیان خواند سپس به بصره رفت. در تاریخ وفات او اختلاف نظر است. گروهی معتقدند در سال ۱۳۸ به موجب محضری که امام صادق (ع) دستورنوشتن آن را داد، و گروهی معتقدند در سال ۱۴۵ هـ، وفات نموده است.

محمد بن اسماعیل، در سال ۱۴۱ در مدینه متولد شد و هنگام فوت پدرش چهارده سال داشت. خلیفه عباسی به شدت مراقب او بود. محمد ابتدا به کوفه سپس رهسپار فرغانه و نیشابور گردید. « برای گمراه ساختن عباسیان با اسم مستعار میمون قدامح مردم را به امام مستور یعنی خودش دعوت می کرد. » (تامر، ۱۳۷۷: ص ۳۴) از القاب او شاکر، مکتوم، مستور، سابع و میمون قدامح بود. از نیشابور به نهاوند رفت و با دختر ابومنصور بن جوشن ازدواج کرد. رشید سپاهی را برای کشتن او روانه کرد، ولی پیروان او لشکر رشید را شکست دادند. و امام محمد در شهر محمود آباد اقامت گزید. ارسال دو داعی حلوانی و ابوسفیان در زمان او صورت گرفت. وی برای تقویت جنبش اسماعیلیه در اطراف کوفه، سوریه و بحرین بسیار کوشش نمود. سرانجام در شهر ترمز وفات یافت و در کوهی در شمال غربی این شهر مدفون است.

برخی آثار اسماعیلیان بر آن دلالت دارد که محمدبن اسماعیل و میمون القدامح یک نفر با دو نام نبوده است. به نقل از کتاب غایه الموالد « اسماعیل میمون القدامح را که حجت او بوده به خدمت محمد گماشت و او را پوششی برای وی گردانید. » سپس محمد به بزرگی رسید و ودیعه خویش بازگرفت و امامت در نسل او ادامه یافت در کتب دروزیان فهرستی از هفت امام از اسماعیل تا عبدالله پدر مهدی آمده است که برخی از آنان با عبارت من ولدالمیمون القدامح یاد شده و به نظر میرسد امامان مستودع و مستقر در دو سلسله نسب با هم مخلوط شده اند. (لوئیس، ۱۳۶۲: ۶۷/۶۲)

<sup>۱</sup> برخی محققین دلیل این نام را انتساب آنها به یکی از رهبرانشان بنام حمدان قرمط می دانند.

در منابع اهل سنت، قدیمی ترین صورت روایت میمون القداح در نوشته ابن رزام، دیده می شود که در فهرست ابن ندیم، اتحاط الحنفاء، مقفای مقریزی و نهاییه الادب فی فنون الادب نویری نقل شده است. برطبق این روایت، میمون القداح پسر دیصان نامی بود، که مذهب ثنوی داشت، و بر عقیده عالی (افراطی) بود. و نیز پسرش عبدالله از او بدتر بود. بسیار زیرک و در مذاهب و کلام اطلاعات و دانش زیادی داشت. وی نظامی از اعتقادات را پدید آورد که در هفت مرحله در نهایت به الحاد و اباحه منجر می گردید، ولی در ظاهر چنین می نمود که برای محمد بن اسماعیل تبلیغ و دعوت می نماید. البته ابن ندیم اعتمادی به نوشته ابن رزام ندارد، و با ادای جمله «و انا ابرأ من العهد فی الصدق غنه و الکذب فیه» مسئولیت را از عهده خویش برمی دارد. (محقق، ۱۳۸۲:ص ۴۱ به نقل از ابن ندیم بی تا ۲۶۵)

اما منابع شیعی دوازده امامی به عبدالله میمون به عنوان محدث و از صحابه امام جعفر صادق (ع) اشارت دارد. نجاشی در مورد وی می گوید که وی راوی امام باقر(ع) و امام صادق(ع) بوده و از رجال ثقه محسوب می شده است و دارای کتب صفت الجنه و النار و مبعث النبی می باشد. این شهر آشوب، حلی و طوسی نیز بر این عقیده اند و محمد بن یعقوب کلینی (۳۲۹/ ۹۴۰) از احادیث وی استفاده کرده است. (لوئیس، ۱۳۶۲:ص ۷۸/۷۹)

محقق به نقل از مرحوم قزوینی در حواشی و اضافات جلد سوم جهانگشای جوینی این عقیده را ابراز می دارد که «در کتب رجال شیعه بدون استثنا عبدالله میمون قداح را از اصحاب امام صادق شمرده و او را از اهالی مکه از سوی بنی مخزوم ضبط کرده اند و گفته اند وی تیرگر و تیرتراش بوده و به قداح معروف شده و از شیعیان خالص می باشد. پس دعوی آنان بی اساس بوده و شاید این دعوی را کرده اند تا به مذهب خود آبرویی بدهند. و از قرائن قویه برتأیید این احتمال آنکه قدمای مورخین و مؤلفین ملل و نحل که در حدود سال ۳۰۰ هجری می زیسته اند، هیچ ذکری از وی نکرده اند. و افسانه عبدالله میمون تا آن زمان اختراع نشده بوده است.

نتیجه میگیریم دشمنان اسماعیلیه از روی تعصب و تحریک خلفای عباسی این داستان را برای آنان ساخته اند. و این داستان از گفته ابو عبدالله بن رزام کوفی که دشمن آنان بوده پیدا شد و حتی ناقلین آن هم مسئولیت را از عهده خودشان بیرون کرده اند.» (محقق، ۱۳۸۲:ص ۴۷).

پس از وفات عبدالله میمون القداح امامت در فرزندانش ادامه یافت، تا اینکه یکی از اولادش به نام سعید خود را مهدی خواند، و در آفریقا ظهور کرد، و مدعی شد از اخلاف اسماعیل بن جعفر است.